

نقش میانجیگری ترس از خود در ارتباط میان سبک‌های دل‌بستگی نایمن با باورهای وسواسی در جمعیت غیر بالینی

میترا عاشوری^۱، سعیده بزازیان^{۲*}

تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۰۱/۱۹

چکیده

پیش‌زمینه و هدف: مطالعات متعدد نتایج ناهماهنگی را در مورد ارتباط باورهای وسواسی و متغیرهای شناختی گزارش کرده‌اند. همچنین باورهای وسواسی عوامل مهمی در تبدیل افکار مزاحم به افکار وسواسی به شمار می‌روند. در این راستا هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش میانجیگری ترس از خود در ارتباط میان سبک‌های دل‌بستگی نایمن با باورهای وسواسی در میان دانشجویان بود.

مواد و روش کار: روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی دانشجویان کارشناسی دانشگاه‌های تهران در بازه‌ی زمانی مرداد تا مهر سال ۱۴۰۱ بودند که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای ۳۲۰ نفر انتخاب شدند و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. پس از حذف داده‌های پرت، ۳۱۲ پرسشنامه وارد تجزیه و تحلیل شد. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه باورهای وسواسی (OBG)، پرسشنامه‌ی ترس از خود (FSQ) و پرسشنامه تجربه در روابط نزدیک (ECR) بودند. در نهایت داده‌ها با روش همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۴ و AMOS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: شاخص‌های نیکویی برازش برای مدل پژوهش معنادار و مطلوب بودند و مدل برازش مناسبی داشت. نتایج نشان داد که ضریب همبستگی نمره‌ی کل باورهای وسواسی با ترس از خود و نمره‌ی کل دل‌بستگی نایمن به ترتیب ۰/۵۴ و ۰/۴۲ و در سطح $p < ۰/۰۱$ دارای اختلاف معنادار بودند. همچنین اثر غیرمستقیم و اثر کل سبک‌های دل‌بستگی نایمن بر باورهای وسواسی به ترتیب ۰/۲۴ و ۰/۳۳ و به لحاظ آماری دارای اختلاف معنادار بودند ($p < ۰/۰۱$).

بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های دل‌بستگی نایمن و ترس از خود نقش مهم و تأثیرگذاری بر باورهای وسواسی دارد. همچنین مطالعه حاضر روابطی را شناسایی کرد که ممکن است پیامدهای مهمی برای پیشگیری و درمان افکار غیرقابل قبول در بیماران OCD و همچنین افراد غیر بالینی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: ترس از خود، سبک‌های دل‌بستگی نایمن، باورهای وسواسی

مجله مطالعات علوم پزشکی، دوره سی و سوم، شماره دهم، ص ۷۵۹-۷۴۹، دی ۱۴۰۱

آدرس مکاتبه: شهرک قدس (شهرک غرب)، بلوار فرحزادی، بلوار دامن، خیابان درختی، کوچه ثقی، پلاک ۱۶، ساختمان ستادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تلفن: ۰۹۲۲۴۹۸۷۸۱۷

Email: sbazzazian@gmail.com

مقدمه

مجبور به انجام آن است که باهدف پیشگیری یا کاهش اضطراب یا پریشانی انجام می‌شود (۱). چندین تئوری شناختی این موضوع را مطرح کرده‌اند که انواع اختلالات روان‌شناختی از جمله وسواس‌های فکری-عملی از باورهای ناکارآمد خاصی ناشی می‌شوند ولی تنها زمانی این افکار مزاحم و ناخوانده به صورت افکار وسواسی تبدیل می‌شوند که فرد اهمیت اغراق‌آمیزی را به این افکار نسبت دهند و بر این اساس رویکردهای شناختی رفتاری به منظور درک بهتر عوامل

اختلال وسواس فکری اجباری (OCD) یکی از شایع‌ترین اختلالات روانی با تخمین شیوع ۱،۹-۲،۵ درصد در طول عمر است و طبق گفته سازمان بهداشت جهانی، یکی از ۱۰ اختلال پزشکی ناتوان‌کننده است و مشخصه آن بروز افکار، امیال یا تصاویر مداوم است که به‌عنوان اعمال مزاحم و ناخواسته (وسواس) و اعمال اجباری تجربه می‌شود که فرد احساس می‌کند در پاسخ به یک وسواس

^۱ دانشجوی روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران
^۲ دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مؤثر در ایجاد و تداوم انواع اختلالات روان‌شناختی بر نقش برخی باورهای خاص در افراد تأکید می‌کنند و در این راستا کارگروه شناخت در وسواس^۱ به بررسی نقش برخی باورهای خاص در ایجاد اختلال وسواس پرداخته است (۲، ۳). باورهای وسواسی^۲ از نظریه‌های شناختی برای OCD مشتق شده‌اند و بر این اساس عامل شناخت به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در شکل‌گیری وسواس مورد توجه قرار گرفته است؛ مدل شناختی رفتاری فرض می‌کند که وسواس‌های بالینی از باورهای ناکارآمد ناسازگار مانند برآورد بیش‌از حد تهدید و مسئولیت، اهمیت و نیاز به کنترل افکار مزاحم و کمال‌گرایی و عدم تحمل اطمینان ناشی می‌شوند و این باورها منجر به تفسیر نادرست افکار مزاحم، رفتارهای کاهش‌دهنده اضطراب و در نتیجه حفظ مشکل می‌شود (۴، ۵). ریمن^۳ و همکاران (۲۰۱۸) ۹۲ فرد مبتلا به OCD را ارزیابی کردند و نشان دادند که باورهای وسواسی حتی پس از در نظر گرفتن علائم افسردگی پیش‌بینی‌کننده مهم اختلال وسواسی-اجباری باقی می‌مانند و آمیختگی شناختی پیش‌بینی‌کننده فردی منحصربه‌فرد ابعاد افکار غیرقابل قبول است (۶). نتایج مطالعات به ویسان و چام^۴ (۲۰۱۸) نشان داد که دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی پس از کنترل ویژگی‌های جمعیت شناختی و عوامل آسیب‌پذیری شناختی برحسب باورهای وسواسی به‌طور معناداری نشانه‌های وسواس را پیش‌بینی می‌کرد و همچنین دل‌بستگی نالایمن و به‌ویژه سبک‌های اجتنابی، پیش‌بینی‌کننده شدت باورهای وسواسی و نشانه‌شناسی وسواس فکری-اجباری بودند و نیز دل‌بستگی اضطرابی پیش‌بینی‌کننده‌ی قابل توجهی برای برآورد بیش‌از حد تهدید بود، همچنین نشان داده شده است که سیستم دل‌بستگی بزرگ‌سالان به‌عنوان یک سیستم تنظیم هیجانی در بزرگ‌سالی عمل می‌کند بنابراین، جهت‌گیری‌های دل‌بستگی‌های نالایمن ممکن است منجر به باورهای ناکارآمد که در بروز علائم OCD نقش دارد شود (۷).

دل‌بستگی به پیوند عاطفی اولیه بین نوزاد و مراقب اشاره دارد، که در آن تصور می‌شود که شخصیت (های) دل‌بستگی درونی شده اولیه پایگاهی امن در مواقع استرس فراهم می‌کنند؛ فرزندپروری به شیوه‌ای حساس، پاسخگو و گرم پیش‌بینی‌کننده دل‌بستگی ایمن است، درحالی‌که سبک بین فردی ناسازگار، سرد و بی‌پاسخ مراقب به‌طور تجربی با دل‌بستگی نالایمن مرتبط است و همچنین کیفیت تعامل کودک و مراقب منجر به شکل‌گیری مدل‌های کارکرد درونی می‌شود که در مواجهه با موقعیت‌های استرس‌زا بر درک فرد از موقعیت‌ها تأثیر می‌گذارد (۷، ۸). این سیستم دل‌بستگی که در

دوران نوزادی شکل می‌گیرد در بزرگ‌سالی تثبیت می‌شود و این طرح‌واره‌های شناختی-عاطفی به الگوهای برای انتظارات و ارزیابی فرد از روابط درون‌فردی و بین فردی تبدیل می‌شوند و این الگوها در طول عمر نسبتاً پایدار هستند و اگرچه سبک‌های دل‌بستگی نالایمن به‌خودی‌خود مقدمه‌ای برای آسیب‌شناسی روانی نیست اما پژوهش‌ها نشان داده است سبک‌های دل‌بستگی سبب ایجاد راهبردهای تنظیم شناختی می‌شوند که می‌توانند فرآیندهای تنظیم‌کننده هیجان و شناخت افراد را هدف قرار دهند همچنین شواهد تجربی از این فرض که افرادی با دل‌بستگی نالایمن در برابر مجموعه‌ای از مشکلات تنظیم هیجانی و شناختی آسیب‌پذیر هستند حمایت می‌کند (۹، ۱۰). همچنین نشان داده شده است که سیستم دل‌بستگی بزرگ‌سالان به‌عنوان یک سیستم تنظیم شناختی در بزرگ‌سالی عمل می‌کند بنابراین، جهت‌گیری‌های دل‌بستگی ایمن ممکن است به‌عنوان یک فرآیند تنظیمی تطبیقی عمل کند که از تشدید شناخت‌های ناکارآمد مانند ترس از خود باورهای ناکارآمد که منجر به علائم OCD می‌شود، جلوگیری کند (۱۱). به این اساس دورون^۵ (۲۰۲۰) نشان داد که درجات بالایی از ادراکات ترس از خود، علائم OCD و باورهای وسواسی و ناکارآمد را پیش‌بینی می‌کنند (۱۱). همچنین در پژوهش‌های پیشین ارتباط قوی ترس از خود با باورهای وسواسی به دست آمد، منطقی به نظر می‌رسد که ترس از خود باعث می‌شود افراد به‌جای مشاهده‌ی واقعیت افکار، غرق در افکار شده و زمینه نفوذ افکار و وسواس در آنان ایجاد می‌شود همچنین، ترس از خود پیش‌بینی‌کننده بعد افکار غیرقابل قبول علائم OCD، افسردگی بیش‌از حد، اضطراب عمومی و باورهای وسواسی بود (۱۲). اگرچه در این راستا پژوهش‌های متعددی به بررسی رابطه‌ی بین سبک‌های دل‌بستگی و باورهای وسواس پرداخته‌اند اما در این بین، متغیرهایی که احتمالاً می‌توانند در این رابطه نقش میانجی داشته باشند ناشناخته باقی‌مانده‌اند اما با توجه به شواهد یکی از متغیرهایی که به نظر می‌رسد می‌تواند نقش میانجی بازی کند متغیر ترس از خود است.

ترس از خود، به معنی ترس از اینکه فرد چه کسی است یا چه کسی ممکن است باشد تعریف می‌شود که این عامل می‌تواند منجر به ایجاد شک بیمارگونه به خود و یا عاملی برای واکنش‌های ناکارآمد به تجربیات مزاحم شود (۱۳، ۱۴). ترس از خود به شکل اغراق‌شده سبب می‌شود که افراد بیش برآوردهایی از ارزیابی افکار نافذ برحسب اینکه فرد در چه حوزه‌هایی از زندگی به خود اعتماد ندارد شود که این امر می‌تواند به رفتارهای اجباری برای خنثی کردن این افکار

⁴ Boysan & Çam

⁵ Doron

¹ Obsessive Compulsive Cognitions Working Group

² Obsessive Beliefs

³ Reuman

راین اساس تبیینی که مطالعه‌ی حاضر قصد دارد تا آن را در قالب یک مدل آسیب‌شناختی مورد آزمون قرار دهد بررسی این فرض است که مدل ساختاری رابطه‌ی میان سبک‌های دل‌بستگی نایمن و باورهای وسواسی با نقش میانجی ترس از خود دارای برازش خوبی است.

مواد و روش کار

طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و از منظر هدف بنیادی و در قالب معادلات ساختاری بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی دانشجویان کارشناسی دانشگاه‌های تهران در بازه‌ی زمانی مرداد تا مهر سال ۱۴۰۱ بودند. از جامعه مذکور ۳۲۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. حجم نمونه بر اساس نظر کلاین (۲۰۱۶) تعیین شد. بر اساس این نظریه در حوزه‌ی مدل‌یابی معادلات ساختاری ((SEM نسبت ۱۰ تا ۲۰ آزمودنی به ازای هر متغیر مشاهده‌شده توصیه می‌شود (۱۷). بنابراین حجم نمونه ۳۰۰ نفر برآورد شد و با پیش‌بینی احتمال افت آزمودنی‌ها، تعداد ۳۲۰ نفر انتخاب شدند. ملاک‌های ورود در پژوهش حاضر عبارت بودند از: اشتغال به تحصیل داشتن، رضایت آگاهانه و تمایل به همکاری داشتن، دامنه‌ی سنی ۴۵-۲۰ سال و عدم ابتلا به اختلال جسمانی و روانی خاص (طبق گزارش شخصی). ملاک‌های خروج نیز عبارت بودند از: داشتن مشکل بینایی (برای خواندن پرسشنامه) و انصراف از شرکت در پژوهش. پس از گویه‌سازی پرسشنامه‌های پژوهش در پلتفرم گوگل‌فرم دست‌ورالعمل آزمون و فرم رضایت در ابتدای پرسشنامه‌ها قرار داده شد، سپس لینک پرسشنامه توسط کارشناس‌های آموزش در گروه‌های دانشجویان ارسال شد. از دانشجویان خواسته شد تا سؤالات را با دقت خوانده و در کمال صداقت پاسخ دهند همچنین ذکر شد که اطلاعات محرمانه است و ذکر نام و نام‌خانوادگی الزامی نیست. در پایان، داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از نرم‌افزارهای IBM SPSS (SPSS) و Statistics 23 و IBM SPSS Amos 24 (AMOS) تجزیه و تحلیل شدند. در انتها، با حذف داده‌های پرت ۳۱۲ نمونه مورد بررسی قرار گرفتند.

ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل موارد ذیل بودند:

پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی:

شرکت‌کنندگان در این پرسشنامه به متغیرهای جمعیت شناختی (سن، وضعیت تأهل، شغل) و سؤالات مربوط به ملاک‌های ورود و خروج، پاسخ دادند.

منجر شود (۱۴، ۱۵). آرادم و همکاران (۲۰۱۳) استدلال می‌کنند ترس از خود به‌عنوان یک عامل مؤثر در وسواس خصوصاً در حوزه مذهبی، جنسی و پرخاشگری (ابراز یا سرکوب خشم) با سردرگمی استنباطی (بی‌اعتمادی به اطلاعات حسی و تأیید اطلاعات مبتنی بر احتمال) در فرد مبتلا به وسواس باعث می‌شود که فرد احتمال وقوع فکر را با قصد و انگیزه ارتکاب فکر اشتباه بگیرد و از هر روایت وسواسی شکل‌گرفته در ذهن بترسد؛ و با ارزیابی نادرست و ترس از اینکه خود به چه چیزی ممکن است تبدیل شود (مثلاً من ممکن است فرزندم را بکشم) تحت سیطره افکار نافذ وسواسی قرار بگیرد (۱۱، ۱۵). آرادم و همکارانش با استفاده از نمونه‌های غیر بالینی دانشجویان انگلیسی‌زبان در مقطع کارشناسی و شرکت‌کنندگان در جامعه از کانادا و استرالیا دریافتند که تأیید بیشتر باورهای ترس از خود باعث علائم وسواسی بیشتر، باورهای مرتبط با OCD می‌شود و به‌طور خاص‌تر، ترس از خود، باورهای وسواسی را پیش‌بینی می‌کند همچنین ترس از خود را باید ساختار مهمی در رابطه با افکار غیرقابل‌قبول در OC در نظر گرفتند، که بر رابطه بین اهمیت و باورهای کنترل فکر با وسواس‌های نفرت‌انگیز حاکم است بدین‌صورت که تصورات ترس از خود ممکن است محرک اصلی در توسعه و تفسیر نفوذهای وسواسی باشد، این رابطه ممکن است باوجود باورهای مرتبط با OCD تشدید شود. به‌عنوان مثال، فردی که می‌ترسد یک فرد آلوده باشد، ممکن است متوجه نفوذهای وسواسی بیشتر در مورد انتقال میکروب‌ها یا بیماری‌ها به دیگران شده و دچار مشکل شود و ممکن است برای خنثی کردن تهدید درک شده به تمیز کردن یا شستشوی اجباری بپردازد. داشتن باورهای کمال‌گرایانه قوی‌تر (مثلاً «من نمی‌توانم ویژگی‌هایی داشته باشم که ممکن است نشان دهد من فردی فاسد هستم») یا باورهایی در مورد اهمیت کنترل افکار خود (مثلاً «داشتن این افکار به این معنی است که من باید فاسد باشم») ممکن است این فرآیند را تشدید کند. (۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۶). اخیراً پیشنهاد شده است که ادراک‌های ترسناک از خود سبب افزایش هوشیاری نسبت به نفوذهای تهدیدکننده باورهای وسواسی و هیجانات مرتبط با آن می‌شود، همچنین دریافتند که ترس از دست دادن کنترل تکانه عامل تعیین‌کننده مهم وسواس‌های پرخاشگرانه است که شناخت‌های شدید و ناراحت‌کننده را برای افرادی که از تکانه‌ها می‌ترسند تولید می‌کند (۱، ۱۴). به راین اساس تشخیص فزاینده این‌گونه نفوذهای و تأثیر آن بر خود، اهمیت نقش میانجی فرایندها و متغیرهای شناختی را مطرح می‌کند و بر اساس آنچه ذکر شد به نظر می‌رسد سبک‌های دل‌بستگی نایمن سبب فعال شدن باورهای ناکارآمد مانند ترس از خود به شکل اغراق‌آمیز می‌شود که منجر می‌شود افراد بیش برآوردهایی از ارزیابی افکار نافذ داشته باشند. به

تا کاملاً مخالف درجه‌بندی شده است. پرسشنامه باورهای وسواسی دارای ثبات درونی (۰/۹۲)، ضریب دونیمه‌سازی (۰/۹۴) و ضریب پایایی حاصل از روش بازآزمایی (۰/۸۲) است همچنین روایی ملاک پرسشنامه به کمک پرسشنامه‌ی مادزلی ۰/۸۲ به دست آمد و معنادار بود (۳). در ایران پایایی نسخه فارسی محاسبه گردید که برای نمره کلی پرسشنامه معادل ۰/۹۱ محاسبه گردید (۱۹). در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۸۶ به دست آمد. **پرسشنامه تجربه در روابط نزدیک^۳ (ECR):** یک ابزار ۳۶ گزاره‌ای خودسنجی است که شامل دو خرده مقیاس هم‌نوا با نظریه دل‌بستگی است. اجتنابی و اضطرابی. مقیاس اجتناب میزان پذیرش صمیمیت و نزدیکی را اندازه می‌گیرد. مقیاس اضطرابی نگرانی درباره طرد شدن و رها شدن را اندازه‌گیری می‌کند. نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای است و از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف درجه‌بندی شده است. این پرسشنامه در سال ۱۹۹۸ توسط برنن، کلارک و شیور طراحی شده است (۲۰). در مطالعه برنان و همکاران و پژوهش صیدی و همکاران (۱۳۹۲) آلفای کرونباخ مقیاس اجتنابی ۸۹ درصد و ۹۴ درصد و برای مقیاس اضطرابی ۹۱ درصد و ۸۵ درصد گزارش شد. همچنین در مطالعه گودبات و همکاران و آلونسو آربیلو و همکاران ساختار عاملی پرسشنامه (روایی) مورد تأیید قرار گرفت (۱۹، ۲۱). در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۸۹ به دست آمد.

پرسشنامه‌ی ترس از خود (FSQ): در این پژوهش از پرسشنامه‌ی ترس از خود آرادم (FSQ) استفاده شد. این پرسشنامه حاوی ۸ گویه است که جهت اندازه‌گیری ادراک ترس از خویش شدن تدوین شده است و نمره‌گذاری این پرسشنامه در مقیاسی از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۶ (کاملاً موافق) است و تحلیل عاملی آن در کانادا، استرالیا و ایتالیا همسانی درونی (آلفای کرونباخ ۰/۹۷-۰/۹۸) و پایایی آزمون-بازآزمون (۰/۹۷-۰/۸۹) و همگرا و واگرایی قابل‌قبولی را نشان داده است (۱۸). در ایران نیز قاسمی، صادق‌زاده، آذرنیوشان (۱۴۰۰) ضریب آلفای کرونباخ و بازآزمایی را به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۸۶ به دست آوردند که این نتایج همسانی درونی و بازآزمایی خوبی را نشان می‌دهد و همچنین همبستگی مابین نمرات نسخه‌ی فارسی پرسشنامه با سایر ابزارهای پژوهش در بازه‌ای از ۰/۴۹ تا ۰/۸۱ قرار گرفت که نشان از تأیید روایی همگرایی این ابزار است. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۸۴/۵ به دست آمد.

پرسشنامه‌ی باورهای وسواسی (OBQ^۲): کارگروه شناخت در وسواس، پرسشنامه‌ی باورهای وسواسی (OBQ-20) را به‌عنوان ابزاری برای ارزیابی نقش ساختارهای شناختی در سبب‌شناسی و حفظ وسواس تدوین کرد این پرسشنامه شامل ۲۰ سؤال است که از ۴ زیرگروه افکار تشکیل شده است و که دامنه‌های کلیدی حوزه-های شناخت در اختلال وسواسی-عملی هستند. نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای است و از کاملاً موافق

یافته‌ها

جدول (۱): متغیرهای جمعیت شناختی پژوهش

متغیرهای جمعیت شناختی		F	%
جنسیت	زن	۲۶۱	۷۰/۸۳
	مرد	۵۱	۳/۱۶
	کل	۳۱۲	۱۰۰
تأهل	مجرد	۲۴۴	۷۷/۷۸
	متأهل	۶۸	۲۱/۸۲
شغل	شاغل	۱۱۲	۳۵/۹۳
	بیکار	۲۰۰	۶۴/۱۶

مردان و ۲۶۱ یعنی معادل ۸۳/۷ نفر از آزمودنی‌ها را زنان تشکیل می‌دادند، که از این میان تعداد ۲۴۴ نفر معادل ۷۸/۲ نفر مجرد و ۶۸ نفر معادل ۲۱/۸ متأهل بودند، همچنین در بررسی شغل داده‌های نشان داد که ۶۴/۱ درصد از شرکت‌کنندگان در پژوهش

مندرجات جدول (۱): این جدول یافته‌های مربوط به درصدهای شاخص دیوگرافیک و همچنین توزیع فراوانی را نشان می‌دهد که با توجه به داده‌های تعداد ۵۱ نفر از آزمودنی‌ها یعنی حدود ۱۶/۳ را

³ Experiences in Close Relationships (ECR)

¹ Fear of Self Questionnaire

² Obsessive Beliefs Questionnaire

فاقد شغل بودند. همچنین میانگین سنی افراد ۲۳/۵۰ و انحراف استاندارد آن ۶/۶۶ بودند (دامنه سنی: ۱۸ الی ۵۴ سال).

تجزیه و تحلیل آماری:

ابتدا، همبستگی میان متغیرها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شدند. سپس، برای بررسی نقش واسطه‌ای ترس از خود در رابطه‌ی بین باورهای وسواسی و سبک‌های دل‌بستگی نایمن و الگوهای نظری ارائه‌شده در شکل ۱ با استفاده از روش مدل معادلات ساختاری با روش تخمین بیشینه درست‌نمایی آزمون شد. جهت بررسی برازندگی الگو از آزمون مجذور خی (χ²) و نسبت مجذور خی بر درجه‌ی آزادی (χ²/df) استفاده شد. عدم معناداری آماری آزمون χ² و همچنین مقدار کوچک‌تر از ۳ برای χ²/df

برازندگی الگو را نشان می‌دهند (۲۲، ۲۳). از آنجاکه مجذور خی به‌اندازه‌ی نمونه حساس است، جهت بررسی برازندگی الگوها از شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص برازندگی تعدیل‌یافته (AGFI) و ریشه‌ی دوم واریانس خطای تقریب (RMSEA) نیز استفاده شد. مقادیر بزرگ‌تر از ۰/۹۰ برای شاخص‌های CFI، GFI و AGFI نشان‌دهنده‌ی برازندگی بسیار مطلوب الگو هستند؛ برای شاخص RMSEA مقدار کوچک‌تر از ۰/۰۵ بسیار مطلوب و مقادیر بین ۰/۰۵ و ۰/۰۸ مطلوب هستند همچنین جهت بررسی معناداری مسیر غیرمستقیم، از رویه‌ی بوت استرپ استفاده گردید. این رویه قدرتمندترین و دقیق‌ترین روش برای آزمون اثرات واسطه‌ای است (۲۴).

جدول (۲): ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
تهدید	۱								
کمال طلبی و قطعیت	۰/۵۵**	۱							
احساس مسئولیت	۰/۵۱**	۰/۵۰**	۱						
اهمیت و کنترل افکار	۰/۵۲**	۰/۴۴**	۰/۴۷**	۱					
باورهای وسواسی	۰/۸۰**	۰/۸۰**	۰/۷۹**	۰/۷۴**	۱				
ترس از خود	۰/۵۲**	۰/۴۶**	۰/۳۲**	۰/۴۰**	۰/۵۴**	۱			
اجتنابی	۰/۴۳**	۰/۴۰**	۰/۲۰**	۰/۲۵**	۰/۴۲**	۰/۵۲**	۱		
اضطرابی	۰/۱۴*	۰/۲۳**	۰/۱۴**	۰/۸۵	۰/۱۸**	۰/۲۵**	۰/۱۲*	۱	
دل‌بستگی نایمن	۰/۴۲**	۰/۴۳**	۰/۲۳**	۰/۲۳**	۰/۴۲**	۰/۵۵**	۰/۸۵**	۰/۵۴**	۱
نمره‌ی کل									
میانگین	۱۵/۹۶	۲۰/۶۷	۲۰/۷۰	۱۲/۸۲	۷۰/۴۱	۲۱/۹۰	۶۲/۹۵	۴۴/۱۷	۱۰۶/۸۹
انحراف استاندارد	۰/۶۰	۶/۳۵	۶/۶۴	۵/۴۸	۱۹/۷۷	۸/۳۸	۲۱/۵۲	۱۱/۳۸	۲۵/۲۳

آزمون همبستگی پیرسون **p < 0/01، *p < 0/05

باورهای وسواسی با ترس از خود و نمره‌ی کل دل‌بستگی نایمن به ترتیب ۰/۵۴، ۰/۴۲ و در سطح $p < ۰,۰۱$ معنادار بود. برای آزمون الگوی ارائه‌شده در شکل ۱، از روش مدل معادلات ساختاری استفاده شد. در اولین مرحله، شاخص‌های برازش الگو مطلوب به دست نیامدند. بررسی اصلاحات پیشنهادی نرم‌افزار نشان داد که ایجاد ارتباط بین خطای متغیرهای کمال‌گرایی و مسئولیت‌پذیری مجذور خی را ۴۰ واحد و ایجاد ارتباط بین خطای

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود ضریب همبستگی ادراک تهدید با کمال طلبی احساس مسئولیت اهمیت و کنترل افکار ترس از خود و سبک دل‌بستگی نایمن اجتنابی و اضطرابی به ترتیب ۰/۵۱، ۰/۵۲، ۰/۵۲، ۰/۴۳ و با دل‌بستگی نایمن اضطرابی با ضریب همبستگی ۰/۱۴ در سطح $p < ۰,۰۵$ معنادار و مثبت است. همچنین ضریب همبستگی نمره‌ی کل

نایمن می‌تواند با میانجی‌گری ترس از خود، باورهای وسواسی را به‌طور معناداری پیش‌بینی کند. اثر غیرمستقیم و اثر کل سبک‌های دل‌بستگی نایمن بر باورهای وسواسی به ترتیب $0/24$ و $0/33$ و به لحاظ آماری معنادار بود ($p < 0/01$). در الگوی نهایی ۳۱ درصد از واریانس ترس از خود و ۷۹ درصد از واریانس باورهای وسواسی توسط متغیرهای پیش‌بین موجود در الگو تبیین شده است.

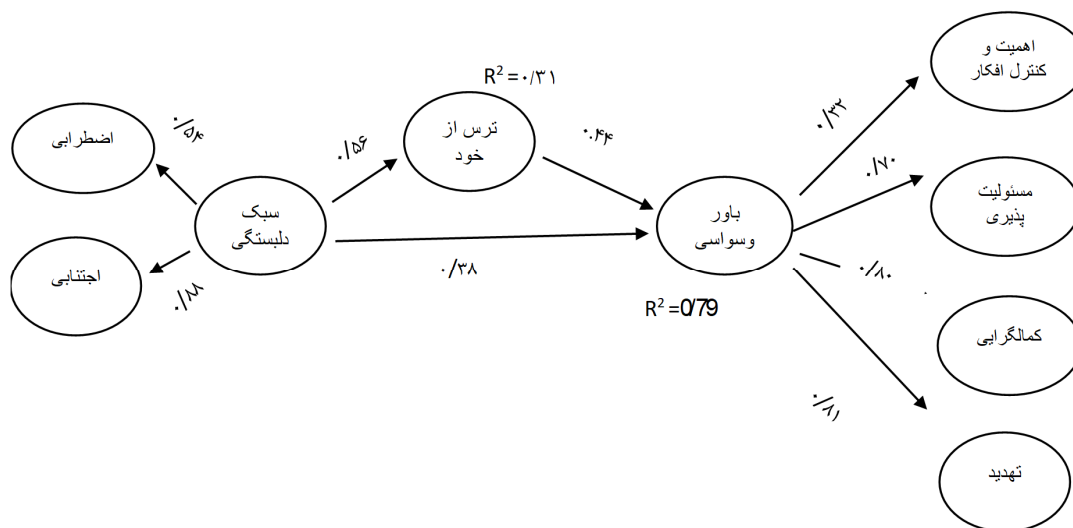
متغیرهای سبک دل‌بستگی اجتنابی و سبک دل‌بستگی اضطرابی مجذور خی را $30/98$ واحد کاهش می‌دهد. پس‌از این اصلاحات، شاخص‌های برازش الگو بسیار مطلوب به دست آمدند. شاخص‌های برازش الگو، پس از اصلاح در جدول ۳ آمده‌اند. نتیجه‌ی بررسی اثر غیرمستقیم با استفاده از رویه‌ی بوت استرپ که در جدول ۴ ارائه شده است، نشان داد که دل‌بستگی

جدول (۳): شاخص‌های برازندگی رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی نایمن با باورهای وسواسی: نقش واسطه‌ای ترس از خود

RMSEA	AGFI	GFI	CFI	χ^2/df	P	df	χ^2	
0/11	0/86	0/90	0/91	4/96	0/01 >	19	94/31	پیش از اصلاح
0/06	0/89	0/97	0/98	1/37	0/01 >	17	23/33	پس از اصلاح
< 0/08	> 0/80	> 0/95	> 0/95	> 3	> 0/05	-	-	سطح قابل قبول

جدول (۴): نتیجه‌ی آزمون بوت‌استرپ برای بررسی رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی نایمن با باورهای وسواسی: نقش واسطه‌ای ترس از خود

مسیر مفروض	اثر غیرمستقیم	سطح معناداری
سبک دل‌بستگی نایمن ← ترس از خود ← باورهای وسواسی	0/24	0/001



شکل (۱): الگوی واسطه‌گری ترس از خود در رابطه‌ی سبک دل‌بستگی نایمن و باورهای وسواسی

دانشجویان بود. نتایج نشان داد بدون در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای ترس از خود، بین سبک‌های دل‌بستگی نایمن و باورهای وسواسی رابطه‌ی معنادار مثبت وجود دارد که این نتایج همسو با پژوهش‌های

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه‌ی بین سبک‌های دل‌بستگی نایمن و باورهای وسواسی با نقش واسطه‌ای ترس از خود در بین

جهت‌گیری‌های دل‌بستگی نایمن و آسیب‌پذیری‌های خود نسبت به علائم و باورهای وسواسی مطابقت دارند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان اذعان داشت که وقتی ترس از اینکه فرد چه کسی است یا ممکن است چه کسی باشد با جهت‌گیری‌های دل‌بستگی ایمن (سطوح پایین اضطراب دل‌بستگی گرایشی و اجتناب) همخوانی داشته باشد، افراد ممکن است کمتر مستعد علائم وسواس فکری-اجباری و باورهای وسواسی شوند و همچنین به‌طور خاص، سطوح علائم OCD در افرادی که درک خود را با ترس بالا همراه با بازنمایی دل‌بستگی ایمن نشان می‌دهند، نسبت به افرادی که ادراکات خود را افزایش می‌دهند که هم‌زمان با ناامنی دل‌بستگی نشان می‌دهند، تا حدودی کمتر خواهد بود. (۹، ۱۱). در راستای این نتایج نشان داده شده است که سیستم دل‌بستگی بزرگسالان به‌عنوان یک سیستم تنظیم هیجانی در بزرگسالی عمل می‌کند بنابراین، جهت‌گیری‌های دل‌بستگی ایمن ممکن است به‌عنوان یک فرآیند تنظیمی تطبیقی عمل کند که از تشدید شناخت «خود ترسیده» و ایجاد باورهای ناکارآمد که منجر به علائم OCD می‌شود، جلوگیری کند (۹).

یافته‌های مطالعه‌ی حاضر نشان داد که ترس از خود رابطه‌ی مثبت معناداری با باورهای وسواسی دارد و نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی علی بین این دو متغیر است. این یافته همسو با مطالعات آردما و همکاران (۲۰۲۰)؛ آردما و همکاران (۲۰۱۹)؛ دورون (۲۰۲۰) و ملی (۲۰۱۶) است که نشان دادند که ترس از خود در شکل‌گیری باورهای وسواسی نقش دارد (۱، ۱۱، ۱۴، ۱۸). در تبیین این نتایج می‌توان اذعان داشت که ترس از خود نه‌تنها با افکار غیرقابل‌قبول و وسواس‌های نفرت‌انگیز، بلکه با اهمیتی که به افکار و نیاز به کنترل افکار داده می‌شود، به‌شدت مرتبط است و مطابق با این نتایج و همان‌طور که انتظار می‌رفت، ترس از خود پیش‌بینی کننده بعد افکار غیرقابل‌قبول علائم OCD، افسردگی بیش‌ازحد، اضطراب عمومی و باورهای وسواسی است؛ این موضوع شواهدی را ارائه می‌دهد که ترس از خود را باید ساختار مهمی در رابطه با افکار غیرقابل‌قبول در نظر گرفت، که بر رابطه بین اهمیت و باورهای کنترل فکر با وسواس‌های نفرت‌انگیز حاکم است، همچنین این نتایج به این دیدگاه اعتبار می‌بخشد که ترس از خود ممکن است نقش مهمی در ارزیابی شناخت‌های نفوذی داشته باشند و چرا برخی از نفوذها مهم ارزیابی می‌شوند، درحالی‌که دیگر این‌طور نیستند در این راستا نتایج کنونی نیز با مدل مبتنی بر استنتاج در اختلال وسواس فکری-عملی (آردما، اوکانر، ۲۰۰۵) سازگار است، زیرا این مدل معتقد است که هم پدیده‌های مزاحم و هم ارزیابی‌های بخشی از یک روایت در حال اجرا هستند که توسط یک مضمون آسیب‌پذیر خود شکل می‌گیرند؛ به‌این‌ترتیب، در این مدل، ترس از خود نه‌تنها مسئول

دیگر است (۱۱، ۲۷-۲۵). در تبیین این یافته باید اذعان داشت که از ویژگی‌های اساسی افرادی با دل‌بستگی ایمن اعتماد به خود و دیگران است و اعتماد به خود سبب می‌شود که افراد در مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا با مهارت بیشتری عمل کنند و همچنین تجارب اولیه‌ی دل‌بستگی، و ایجاد دل‌بستگی نایمن ادراکات فرد در مورد خود و محیط را شکل می‌دهد و نقش کلیدی را در بازنمایی‌های آسیب‌دیده و مختل از خود و جهان بازی می‌کند و این تجارب می‌تواند از عوامل زمینه‌ساز باورهای ناکارآمد باشد (۲۸). برحسب مطالعات چام و همکاران (۲۰۱۸) و دورون (۲۰۲۰) دل‌بستگی نایمن اضطرابی و اجتنابی پس از کنترل ویژگی‌های جمعیت شناختی و عوامل آسیب‌پذیری شناختی، از نظر آماری دارای رابطه‌ی مثبت معنادار با باورهای وسواسی بودند و همچنین مطابق با فرضیه ما، بر اساس مدل تنظیم عاطفه دریافتیم که دل‌بستگی‌های نایمن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم یک عامل آسیب‌پذیری شناختی برای باورها و افکار وسواسی است در این راستا باید بیان کرد که افکار مزاحم حتی در جمعیت «عادی» نیز وجود دارند اما افرادی با ارزیابی به روش‌های خاصی مانند برآورد بیش‌ازحد تهدید، عدم تحمل ابهام، اهمیت افکار، کنترل افکار، مسئولیت‌پذیری، کمال‌گرایی، استنباط‌های احتمالی، فراشناخت‌ها و سردرگمی استنتاجی بیشتر مستعد شروع و حفظ باورهای وسواسی و همچنین OCD هستند؛ همچنین بر طبق شواهد، دل‌بستگی‌های نایمن اضطرابی و اجتنابی مقدمه‌ای برای جستجوی نزدیکی خواهد بود که منجر به احساس ناامنی ناشی از موقعیت‌های واقعی یا برآورد بیش‌ازحد تهدید شناختی در میان کسانی می‌شود که این مدل‌های کار درونی منفی در این افراد غالب است (۸). همچنین گزارش شده است که هر دو سبک دل‌بستگی نایمن و باورهای وسواسی ارتباط قابل‌توجهی با علائم افسردگی دارند و به‌طور خاص، بیماران روان‌پزشکی مبتلا به افسردگی به‌طور نامتناسبی دارای سبک دل‌بستگی نایمن و درجات بالایی از باورهای وسواسی هستند و همچنین دل‌بستگی نایمن پیش‌بینی کننده شدت علائم افسردگی بود (۲۹). در همین راستا خلیفات و منیرپور (۱۳۹۹)؛ پاکوفته (۱۳۹۸) نشان دادند که سبک دل‌بستگی نایمن ارتباط مثبت و معناداری با باورهای وسواسی دارند و همچنین نشان داده شد که سبک‌های دل‌بستگی نایمن می‌توانند نقش مهمی در آسیب‌پذیری در برابر اختلال وسواس باشد و افسردگی بخشی از مکانیسم اثرات این عوامل را در بروز باورهای وسواسی و همچنین بروز وسواس تبیین می‌کند (۳۰، ۳۱).

یافته‌های مطالعه‌ی حاضر حاکی از ارتباط مثبت معنادار بین سبک‌های دل‌بستگی نایمن و ترس از خود بود که این نتایج هم‌راستا با نتایج پیشین دورون و همکاران (۲۰۲۱) و میکولینسر (۲۰۱۹) است و این یافته‌ها با نظریه و یافته‌های مرتبط با

انجام ندادیم. و در انتها نتیجه این مطالعه بر نقش تجارب اولیه در سال‌های کودکی که بخش مهم و جدایی‌ناپذیر رویکردهای دل‌بستگی محور است و همچنین به نقش باورهای ناکارآمد می‌پردازد که این موارد در تبیین اختلال وسواس فکری - عملی نقش اساسی دارند و این نتایج می‌تواند زمینه اتخاذ روش‌های درمانی مؤثر و مبتنی بر این رویکردها را در اختلالات اضطرابی فراهم سازد. همچنین از آنجایی که این پژوهش تنها در شهر تهران انجام شده است لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی در سایر مناطق انجام شود و نیز، پژوهشگران می‌توانند سایر عوامل مؤثر و میانجی را بررسی کنند.

به‌طور خلاصه، تا به امروز، تنها تعداد محدودی از مطالعات روابط بین باورهای وسواسی و ناامنی دل‌بستگی را بررسی کردند و همچنین در هیچ مطالعه‌ای به نقش میانجی ترس از خود اشاره نکرده است و در این راستا یافته‌های پژوهش حاضر شواهد همگرایانه ای برای این فرض ارائه کرده است که ناامنی‌های دل‌بستگی بخشی جدایی‌ناپذیر از آسیب‌شناسی در ایجاد و پایداری باورها و شناخت-های آسیب‌زا است. مطالعه حاضر روابطی را شناسایی کرد که ممکن است پیامدهای مهمی برای پیشگیری و درمان افکار غیرقابل قبول در بیماران OCD و همچنین افراد غیر بالینی داشته باشد. با وجود این نتایج مطالعات بیشتری باید این یافته‌ها را در گروه‌های بالینی دیگر از جمله بیماران مبتلا به OCD بررسی کند. همچنین برخلاف پژوهش حاضر که به رابطه‌ی علی بین ترس از خود و باورهای وسواسی پرداخته شد در پژوهش‌های پیشین سعی نشده است که به این پرسش پاسخ دهند که آیا ترس از خود باعث ایجاد نفوذ در افراد می‌شود یا خیر، و در این حوزه تحقیقات بیشتری مورد نیاز است.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ی نویسنده اول است. بدین‌وسیله از تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش که ما را در انجام پژوهش همکاری نمودند، تشکر و قدردانی می‌شود.

ارزیابی افکار مزاحم در حوزه‌های انتخابی هستند، بلکه مسئولیت وقوع و ویژگی دامنه خود نفوذها را نیز بر عهده دارند؛ همچنین در این رویکرد مضامین خود (self-themes) به‌عنوان استنباط‌های شک‌برانگیز مفهوم‌سازی می‌شوند که توسط روایت‌های منحصربه‌فرد ایجاد شده توسط فرد پشتیبانی و حفظ می‌شوند، که طی آن فرد درگیر فرآیند استدلال نادرست و خلق روایت‌های منفی می‌شود فرآیندی که همچنین به‌عنوان «آشفته‌گی استنتاجی» مفهوم‌سازی شده است؛ به‌عنوان مثال، اگر خود ترسیده یک فرد خطرناک و آن شخص نگران آسیب رساندن به دیگران باشد، در نتیجه، احتمال بیشتری دارد که در مورد اینکه آیا واقعاً می‌تواند به شخص دیگری صدمه بزند یا خیر، دچار وسواس شود و به‌عبارت‌دیگر، سطوح بالاتر «خود ترسیده» تمرکز بر سناریوهای منفی احتمالی و در نتیجه احتمال تصور نتایج منفی وسواسی را افزایش می‌دهد، که بیشتر افراد مبتلا به OCD را از خود واقعی‌شان دور می‌کند، که اغلب با سطوح بالایی از وسواس همراه است (۱، ۱۱، ۱۴، ۱۸). در همین راستا نتایج پژوهش آرما و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد که ترس از خود در بیماران OCD به‌طور قابل‌توجهی باعث افزایش قدرت وسواس، تمایل به انجام اجبار و سطوح اضطراب می‌شود و باورهای وسواس‌گونه می‌شود که از یک ارتباط علی بین ترس از خود و علائم وسواسی-اجباری حمایت می‌کند (۳۲). همچنین آرما و همکارانش (۱۴) با استفاده از نمونه‌های غیر بالینی دانشجویان انگلیسی‌زبان در مقطع کارشناسی و شرکت‌کنندگان در جامعه از کانادا و استرالیا دریافتند که تأیید بیشتر باورهای ترس از خود با علائم وسواسی بیشتر، باورهای مرتبط با OCD و همچنین با سوگیری استنتاجی مرتبط با OCD مرتبط است.

قابل‌ذکر است که این مطالعه دارای چندین محدودیت نیز بود؛ قابل‌توجه است که یافته‌های فعلی بر داده‌های های مقطعی تکیه می‌کنند که نتیجه‌گیری در مورد جهت علیت را به خطر می‌اندازد. دوم، نمونه ما نسبتاً کوچک و شامل دانشجویان دانشگاه بود. این یافته‌ها باید در نمونه‌های بالینی از جمله بیماران مبتلا به OCD تکرار شوند. در نهایت، ما هیچ معاینه روان‌پزشکی از شرکت‌کنندگان

References:

1. Melli G, Aardema F, Moulding R. Fear of self and unacceptable thoughts in obsessive-compulsive disorder. *Clin Psychol Psychother* 2016;23(3): 226-35.
2. Group OCCW. Cognitive assessment of obsessive-compulsive disorder. *Behaviour Research and Therapy* 1997;35(7): 667-81.
3. Group OCCW. Development and initial validation of the obsessive beliefs questionnaire and the interpretation of intrusions inventory. *Behaviour Research and Therapy* 2001;39(8): 987-1006.
4. Martínez-Esparza IC, Rosa-Alcázar AI, Olivares-Olivares PJ, Rosa-Alcázar Á. Obsessive beliefs and uncertainty in obsessive compulsive and related patients creencias obsesivas e incertidumbre en

- pacientes con trastorno obsesivo compulsivo y afines. *IJCHP* 2022;22(3): 100316.
5. Olivares-Olivares PJ, Rosa-Alcázar Á, Martínez-Esparza IC, Rosa-Alcázar AI. Obsessive beliefs and uncertainty in obsessive compulsive and related patients. *IJCHP* 2022;22(3): 100316.
 6. Reuman L, Buchholz J, Abramowitz JS. Obsessive beliefs, experiential avoidance, and cognitive fusion as predictors of obsessive-compulsive disorder symptom dimensions. *J Contextual Behav Sci* 2018;9: 15-20.
 7. Bowlby J. A secure base: Parent-child attachment and healthy human development: Basic books; 2008.
 8. Boysan M, Çam Z. An investigation into the role of attachment insecurities in obsessive-compulsive symptoms. *Br J Guid Couns* 2018;46(5): 566-81.
 9. Mikulincer M, Shaver PR. Attachment orientations and emotion regulation. *Curr Opin Psychol* 2019;25: 6-10.
 10. Amianto F, Secci I, Arletti L, Davico C, Abbate Daga G, Vitiello B. Obsessive-compulsive symptoms in young women affected with anorexia nervosa, and their relationship with personality, psychopathology, and attachment style. *Eat Weight Disord* 2022;27(3): 1193-207.
 11. Doron G. Self-vulnerabilities, attachment and obsessive compulsive disorder (OCD) symptoms: Examining the moderating role of attachment security on fear of self. *JOCRD* 2020;27: 100575.
 12. Üzümcü E, Evliyaoğlu ES, Inozu M. The role of gender, fear of self and disgust propensity in mental contamination: A model test using mental contamination induction. *Current Psychology* 2021: 1-13.
 13. Aardema F, O'Connor K. The menace within: Obsessions and the self. *J Cogn Psychother* 2007;21(3): 182-97.
 14. Aardema F, Wong SF. Feared possible selves in cognitive-behavioral theory: An analysis of its historical and empirical context, and introduction of a working model. *JOCRD* 2020;24: 100479.
 15. Aardema F, Moulding R, Radomsky AS, Doron G, Allamby J, Souki E. Fear of self and obsessionality: Development and validation of the Fear of Self Questionnaire. *JOCRD* 2013;2(3): 306-15.
 16. Ghasemi N, Sadeghzadeh M, Azarniushan M. Psychometric properties of persian version of Fear of Self Questionnaire related Obsessive Compulsive Disorder. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry* 2022;8(6): 24-36.
 17. Kline RB. Principles and practice of structural equation modeling: Guilford publications; 2015.
 18. Aardema F, Wong SF, Audet J-S, Melli G, Baraby L-P. Reduced fear-of-self is associated with improvement in concerns related to repugnant obsessions in obsessive-compulsive disorder. *Br J Clin Psychol* 2019;58(3): 327-41.
 19. kachooei m. Standardization of Obsessive Beliefs Questionnaire short version(OBQ-20) among students. [In press].
 20. Brennan KA, Clark CL, Shaver PR. Self-report measurement of adult attachment: An integrative overview. 1998.
 21. Godbout N, Sabourin S, Lussier Y. Child sexual abuse and adult romantic adjustment: Comparison of single-and multiple-indicator measures. *J Interpers Violence* 2009;24(4): 693-705.
 22. Kline RB. Assumptions in structural equation modeling. 2012.
 23. Tabachnick BG, Fidell LS, Ullman JB. Using multivariate statistics: pearson Boston, MA; 2007.
 24. Cheung GW, Lau RS. Testing mediation and suppression effects of latent variables: Bootstrapping with structural equation models. *Organ Res Methods* 2008;11(2): 296-325.
 25. Khalifat Z, Monirpour N. Explanation of Obsessive-compulsive Symptoms based on Attachment Styles and Alienation by Mediating Role of Depression. *J Clin Psychol* 2020;12(1): 49-

- 62.
26. Pozza A, Dèttore D, Marazziti D, Doron G, Barcaccia B, Pallini S. Facets of adult attachment style in patients with obsessive-compulsive disorder. *J Psychiatr Res* 2021;144: 14-25.
27. Tibi L, van Oppen P, van Balkom AJ, Eikelenboom M, Hendriks G-J, Anholt GE. Childhood trauma and attachment style predict the four-year course of obsessive compulsive disorder: Findings from the Netherlands obsessive compulsive disorder study. *J Affect Disord* 2020;264: 206-14.
28. Falsafi SH, Asgari M, Kordestani D. Development of a structural model of obsessive-compulsive disorder based on early maladaptive schemas, attachment styles and defense mechanisms. *mjms* 2022;65(2): -.
29. Pozza A, Casale S, Marazziti D, Albert U, Mucci F, Berti E, et al. Attachment styles and propensity for sexual response in adult obsessive-compulsive disorder. *SRT* 2021: 1-19.
30. Khalifat Z, Monirpour N. Explanation of Obsessive-compulsive Symptoms based on Attachment Styles and Alienation by Mediating Role of Depression. *Journal of Clinical Psychology* 2020;12(1): 49-62.
31. Pakoofteh a, Akhlaghi H. The relationship between attachment style, defense mechanisms and rumination with obsessive beliefs in women. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ)* 2018;6(4): 197-216.
32. Sauvageau J, O'Connor K, Dupuis G, Aardema F. Experimental priming of feared self-perceptions increases obsessive-compulsive symptoms in a clinical OCD sample. *JOCRD* 2020;27: 100577.

THE MEDIATING ROLE OF FEAR OF SELF IN THE RELATIONSHIP BETWEEN INSECURE ATTACHMENT STYLES AND OBSESSIVE BELIEFS IN A NON-CLINICAL POPULATION

Mitra Ashoori ¹, Saeideh Bazzazian ^{2*}

Received: 07 February, 2023; Accepted: 08 April, 2023

Abstract

Background & Aims: Numerous studies have reported conflicting results regarding the relationship between obsessive beliefs and cognitive variables. also obsessive beliefs are important factors in turning disturbing thoughts into obsessive thoughts. In this regard, the aim of the present study was to investigate the mediating role of fear of self in the relationship between insecure attachment styles and obsessive beliefs among students.

Materials & Methods: The method of the present study was descriptive-correlational. The statistical population of this research included all undergraduate students of Tehran Universities from August to October 2022. In this regards, 320 people were selected by cluster sampling and answered the questionnaires. After removing outlier data, 312 questionnaires were included in the analysis. The research tools included Obsessive Beliefs (OBG) questionnaire, Fear of Self (FSQ) questionnaire, and Experience in Close Relationships (ECR) questionnaire. Finally, the data was analysed by Pearson correlation method and structural equations using SPSS version 24 and AMOS version 22 software.

Results: The goodness of fit index for the research model were significant and desirable and the model had a good fit. The results showed that the correlation coefficient of the total score of obsessive beliefs with fear of self and the total score of insecure attachment styles were 0.42 and 0.54, respectively, and there was a significant difference between them at $P < 0.01$. Furthermore, the indirect effect and the total effect of insecure attachment styles to obsessive beliefs was 0.24 and 0.33, respectively, and there was a significant difference between them ($p < 0.01$).

Conclusion: The results of the present study showed that insecure attachment styles and fear of self have important and influential roles on obsessive beliefs. The present study also identified relationships that may have important implications for the prevention and treatment of unacceptable thoughts in OCD patients as well as non-clinical people.

Keywords: Fear of Self, Insecure Attachment Styles, Obsessive Beliefs

Address: Shahrak Quds (Sharak Gharb), Farhzadi Blvd., Dadman Blvd., Thakhri St., Thaghafi Alley, No. 16.

Tel: +989224987817

Email: sbazzazian@gmail.com

SOURCE: STUD MED SCI 2023; 33(10): 759 ISSN: 2717-008X

Copyright © 2023 Studies in Medical Sciences

This is an open-access article distributed under the terms of the [Creative Commons Attribution-noncommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, as long as the original work is properly cited.

¹ Master student of clinical psychology, Department of Psychology, University of Islamic Azad, West Tehran Branch, Tehran, Iran

² Associate Professor, Department of Psychology, Humanities Faculty, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)